

Original Paper

"Allegories of unity of existence" In the works of Asiri Lahiji

Fatima Mir¹, Mustafa Salari^{*2}, Behrouz Romani³

Abstract

One of the most important mystical ideas that have been common among mystics for a long time and have been expressed in different ways is the subject of the unity of existence. This idea of monotheism, influenced by Muslims' belief in the oneness of God, has existed in the words of mystics since the beginning, and traces of this type of thinking can be seen in the texts of mystic poetry and prose. In the works of Ibn Arabi, this topic becomes a theory under the title of "unity of existence". In his works, Ibn Arabi explained the theory of the unity of existence and explained and expanded it. This subject has been widely discussed in mystical works after Ibn Arabi with terms such as "unity", "multiplicity", "unity in plurality", "multiplicity in unity", "unity of intuition" etc. Mystics and poets following Ibn Arabi's ideas, after him, have tried to explain this issue in their works and have turned to allegory to explain this topic. Asiri Lahiji is one of the commentators of Ibn Arabi's thoughts. The unity of existence is one of the most important themes of his works. He has used various similes to explain his thoughts of existential unity. In this research, we intend to analyze the allegories of the unity of existence in the works of Asiri Lahiji with the descriptive-analytical method and library tools. The purpose of the research is to answer the question of how the unity of existence is expressed in Asiri's thought and what metaphors he uses to express this thought. The findings of the research show that Asiri used similes such as image and mirror, single number and other numbers, the sea and its various fronts, and several other similes to express this idea.

Key words: Asiri Lahiji, allegory, unity, multiplicity, unity of existence.

1. PhD student, Department of Persian Language and Literature, Zahedan Branch, Islamic Azad University, Zahedan, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Zahedan Branch, Islamic Azad University, Zahedan, Iran. m.salari11@yahoo.com
3. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Zahedan Branch, Islamic Azad University, Zahedan, Iran.

Please cite this article as (APA): Mir, Fatima, Salari, Mustafa, Romani, Behrouz (2024). "Allegories of unity of existence" In the works of Asiri Lahiji: *Journal of Pedagogic and Lyric in Persian Language and Literature*, 16(59),48 -68.



Creative Commons: CC BY-SA 4.0



Publisher: Islamic Azad University Bushehr Branch / No. 59/ Spring 2024

Receive Date: 21-05-2024

Accept Date: 03-07-2024

First Publish Date: 20-06-2024

«تمثیل‌های وحدت وجود» در آثار اسیری لاهیجی

مقاله پژوهشی

فاطمه میر^۱، مصطفی سالاری^{۲*}، بهروز رومیانی^۳

چکیده

از مهمترین اندیشه‌های عرفانی که در میان عرفا از دیرباز رایج بوده و به شکل‌های مختلف به بیان آن پرداخته‌اند، مبحث وحدت وجود است. این اندیشه توحیدی متأثر از باور مسلمانان به یگانگی خداوند، از آغاز در کلام عرفا وجود داشته است و رگه‌هایی از این نوع تفکر را در متون نظم و نثر عرفانی می‌توان مشاهده کرد. در آثار ابن عربی این مبحث تبدیل به نظریه‌ای می‌شود تحت عنوان «وحدت وجود». ابن عربی در آثار خود به تبیین نظریه وحدت وجود پرداخته و آن را شرح و گسترش داده است. این مبحث با اصطلاحاتی مانند «وحدت»، «کثرت»، «وحدت در کثرت»، «کثرت در وحدت»، «وحدت شهود» و ... در آثار عرفانی بعد از ابن عربی به طور گسترده‌ای مطرح شده است. عرفا و شاعران پیرو اندیشه‌های ابن عربی، بعد از او کوشیده‌اند این مسأله را در آثار خود شرح دهند و برای توضیح این مبحث به تمثیل روی آورده‌اند. اسیری لاهیجی یکی از شارحان اندیشه‌های ابن عربی است. وحدت وجود یکی از مهمترین مضامین آثار اوست. وی برای توضیح اندیشه‌های وحدت وجودی خود از تمثیل‌های مختلفی استفاده کرده است. در این پژوهش برآنیم با روش توصیفی-تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای به تحلیل تمثیل‌های وحدت وجود در آثار اسیری لاهیجی بپردازیم. هدف از پژوهش آن است که به این پرسش پاسخ بدهیم که وحدت وجود در اندیشه اسیری چگونه بیان شده است و برای بیان این اندیشه از چه تمثیل‌هایی استفاده می‌کند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که اسیری از تمثیل‌هایی مانند تصویر و آینه، عدد واحد و سایر اعداد، دریا و جلوه‌های گوناگون آن و چندین تمثیل دیگر برای بیان این اندیشه استفاده کرده است.

واژگان کلیدی: اسیری لاهیجی، تمثیل، وحدت، کثرت، وحدت وجود.

۱. دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران.

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران. m.salari11@yahoo.com

۳. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران.

لطفاً به این مقاله استناد کنید: میر، فاطمه، سالاری، مصطفی، رومیانی، بهروز. (۱۴۰۳). «تمثیل‌های وحدت وجود» در آثار اسیری لاهیجی. تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی. ۱۶(۵۹)، ۶۸-۴۸.



حقوق مؤلف © نویسندگان.



ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر / شماره پنجاه و نهم / بهار ۱۴۰۳ / از صفحه ۴۸-۶۸.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۳۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۱۳

تاریخ انتشار بر روی اینترنت: ۱۴۰۳/۰۳/۳۱

مقدمه

عرفان اسلامی یکی از مشرب‌های فکری بشر است که سعی داشته است به شناخت حق، شناخت انسان و شناخت جهان هستی و رابطه انسان با حق، انسان با خود و انسان با جهان بپردازد. در حقیقت این مسأله، یکی از پیچیده‌ترین مسائل بشری از آغاز تا کنون بوده است که هر مشرب فکری به اندازه توان خود سعی در شناخت آن داشته‌اند و اختلاف نظرگاه‌ها باعث به وجود آمدن مشرب‌های فکری مختلف و دیدگاه‌های مختلف آنان در خصوص جهان هستی و چیستی و چگونگی آن شده است.

شناخت آفریدگار هستی، قادر مطلق که ذاتش ورای هر دو عالم است؛ چون از مقوله محسوسات فراتر است، امر راحتی نیست به همین دلیل از نگاه اکثر اندیشمندان، در طول تاریخ امری محال است. انسان به اندازه استعداد و تلاش خود می‌تواند از اسرار حق آگاه شود؛ که در عرفان به آن کشف و شهود گفته می‌شود؛ البته عارفی که به کشف و شهود دست می‌یابد اجازه بازگویی این اسرار را ندارد: «هر که را اسرار حق آموختند/ مهر کردند و دهانش دوختند» (مولوی، د پنجم،) چرا که دیگران توان درک این اسرار را ندارند. هرگاه عارفی می‌خواهد آنچه را که از اسرار حق می‌داند برای دیگران بازگو کند باید سعی کند با زبان و بیانی این مسائل را بیان کند که از یک سو برای مخاطب قابل درک باشد و از سوی دیگر سبب انکار، ستیزه، اختلاف و دشمنی در میان خلق نشود؛ آنچنان که گفتن «اناالحق» سبب تکفیر و بر دار کشیدن منصور حلاج شد.

از این رو این اندیشه‌ها باید با زبانی بیان شوند که درک و فهم آنها برای مخاطب آسان‌تر باشد و سبب آشوب در میان خلق نشود. یکی از مهمترین ابزارهای زبانی برای بیان این اندیشه‌ها قالب تمثیل است؛ چراکه تمثیل ابزاری است مهم برای محسوس کردن امر معقول و شگردی است مهم برای اقناع مخاطب در اموری که درک و هضم آن برای او دشوار است. به همین دلیل تمثیل از گذشته‌های بیشترین کاربرد را در میان عرفا داشته است. سنایی، عطار، مولوی، سهروردی و... همه از تمثیل برای بیان اندیشه‌های خود استفاده کرده‌اند.

مسأله وحدت وجود نیز یکی از ظرایف اندیشه‌های عرفانی است که فهم و درک آن به راحتی اتفاق نمی‌افتد؛ بنابراین از همان آغاز مطرح شدن این دیدگاه از تمثیل‌هایی برای شرح و توضیح آن استفاده شده است. اسیری لاهیجی از شارحان نظریه وحدت وجود برای بیان این مسأله از تمثیل‌های زیادی استفاده کرده است که در این مقاله به شرح آنها خواهیم پرداخت.

۱- بیان مسأله

شمس‌الدین محمد اسیری لاهیجی (ح ۹۱۲-۸۴۰ ق) از عرفای شیعی در عصر تیموری است که در آثار منظوم و منثور خود به بیان اندیشه‌های عرفانی در حوزه نظری و عملی پرداخته است. یکی از محوری‌ترین بحث‌ها در عقاید او طرح نظریه «وحدت وجود» است که تحت تأثیر ابن عربی و شیخ محمود شبستری آن را با بیانی زیبا ترسیم می‌کند. وحدت وجود که تفسیری عرفانی از توحید به شمار می‌آید، از قرن دوم هجری در عرفان اسلامی سابقه داشته و توسط ابن عربی به زبانی فلسفی روشن‌تر شده است. اسیری لاهیجی یکی از شارحان نظریه وحدت وجود به شمار می‌آید که ضمن بهره‌گیری از مضامین مولوی و حافظ به عارفان اولیه نیز اشاره دارد و از «وحدت وجود» به «انسان کامل» می‌رسد و خداوند را وجود حقیقی و اصیل به شمار می‌آورد؛ که دیگر موجودات جلوه‌های آن نور سرمدی هستند. مسئله اصلی تحقیق این است که اسیری برای بیان و شرح اندیشه‌های وحدت وجودی خود از تمثیل‌های مختلفی استفاده می‌کند. هدف از این پژوهش بررسی و تحلیل تمثیل‌های به کار گرفته شده در آثار اسیری برای شرح اصطلاح عرفانی وحدت وجود است این پژوهش با شیوه توصیفی-تحلیلی انجام می‌شود و با مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای به گردآوری و تحلیل تمثیل‌های اسیری در تبیین وحدت وجود می‌پردازد. پرسش اصلی پژوهش این است که اسیری، برای شرح مبسوط وحدت وجود از چه تمثیل‌هایی استفاده کرده است و این تمثیل‌ها چگونه تناقض نهفته در اصطلاح وحدت وجود را توجیه می‌کنند.

۲- ضرورت انجام تحقیق

دیدگاه وحدت وجود یکی از مهمترین نظریه‌های بیان شده در عرفان اسلامی است. رگه‌هایی از این دیدگاه در قرآن کریم، احادیث و آثار عارفان نخستین دنیای اسلام دیده می‌شود؛ تا اینکه توسط ابن عربی و شارحان عقاید او به صورت یک نظریه بیان و تشریح می‌شود. این دیدگاه از آغاز مخالفان و موافقانی داشته است به ویژه اینکه درک وحدت در عین کثرت دارای پارادوکسی است که درک آن را برای مخاطب دشوار می‌کند. به همین دلیل عرفا برای توضیح این پارادوکس به تمثیل روی آورده‌اند. اسیری لاهیجی یکی از شارحان این دیدگاه است که از تمثیل‌هایی برای شرح آن استفاده کرده است. بنابر این تحلیل تمثیل‌های او برای درک این نظریه ضروری می‌نماید.

۳- هدف تحقیق

هدف از انجام این تحقیق بررسی تحلیل و شرح تمثیل‌های وحدت وجودی در آثار اسیری لاهیجی است.

۴- روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی است. برای انجام این تحقیق از ابزار کتابخانه‌ای استفاده شده است. به همین منظور ابتدا منابع اسنادی و کتابخانه‌ای مرتبط با موضوع تحقیق گردآوری شد. سپس مبحث وحدت وجود مورد مطالعه قرار گرفت. در ادامه تمثیل‌های به‌کارگرفته شده در آثار اسیری لاهیجی استخراج، طبقه‌بندی و تحلیل شد.

۵- سوال تحقیق

پرسش اصلی تحقیق این است که اسیری لاهیجی برای شرح دیدگاه وحدت وجودی خود از چه تمثیل‌هایی استفاده کرده است.

۶- پیشینه پژوهش:

در خصوص نظریه وحدت وجود در اندیشه عرفای مختلف و آثار عرفانی پژوهش‌های زیادی انجام شده است اما در مورد تمثیل‌های وحدت وجود در آثار عرفانی پژوهش زیادی انجام نشده است. مهمترین تحقیقی که در این خصوص می‌توان به آن اشاره کرد مقاله‌ای است که کاکایی (۱۳۸۰)، با عنوان «وحدت وجود: تجربه، تعبیر، تمثیل» نوشته‌اند و در بخشی از مقاله بعضی از تمثیل‌هایی را که در آثار عرفانی در بیان وحدت وجود استفاده شده است معرفی کرده‌اند.

افراسیاب‌پور، (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «وحدت وجود در آثار عراقی» این مبحث را در آثار عراقی مورد بررسی قرار داده است. در این مقاله تمثیل‌های عراقی برای بیان نظریه وحدت وجود مورد بررسی قرار گرفته است.

محمدی، (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «وحدت وجود از نگاه شمس مغربی» اندیشه وحدت وجود از نگاه شمس مغربی را مورد بررسی قرار داده است اما به کاربرد تمثیل در زبان او نپرداخته است.

قدردان قراملکی، (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای با عنوان توحید وجودی و نظریه وحدت وجود، مبحث وحدت وجود را در ارتباط با حقیقت توحید وجودی بررسی کرده‌اند و در پایان به این نتیجه می‌رسند که

حقیقت توحید وجودی غیری را در دیار هستی باقی نمی‌گذارد و هرآنچه به نام هستی رخ می‌نماید هستی نما و آیه و نشانه هستی حقیقی است که در عرفان از آنها به ظهور، تعین، جلوه و تجلی تعبیر می‌شود.

۷- تمثیل

تمثیل در لغت به معنی مثال آوردن و تشبیه کردن است. در لغت‌نامه دهخدا تمثیل به معنی «مثل آوردن، تشبیه کردن چیزی به چیزی، تصویر کردن چیزی، همچنین به معنی صورت و شکل و نمونه و مثل و افسانه و کنایه به‌کار رفته است. تمثیل زدن به معنی تشبیه کردن، مثال زدن و نمونه آوردن است.» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۶۹۷۰) «تمثیل همچنین به معنی داستان آوردن داستان یا حدیثی را به عنوان مثال بیان کردن آورده شده است.» (معین، ۱۳۷۹: ۱۱۳۹) «گونه‌ای تصویر (ایماژ) یا داستانی است که پشت معنای لفظی یا ظاهری آن، معنای مشخص دومی هم پنهان باشد.» (انوشه، ۱۳۷۶: ۴۰۴) یا «به داستان یا روایتی گفته می‌شود که دارای دو لایه‌ی معنایی ظاهری و باطنی باشد که در آن تمامی وقایع، شخصیت‌ها و اعمال سطح روبنایی دارای مرجع مشابهی در سطح درونی است.» (مقدادی، ۱۳۷۸: ۱۷۴) به تعبیر پورنامداریان: «تمثیل عبارت است از ارائه دادن یک موضوع تحت صورت ظاهر موضوع دیگر. این اصطلاح به عنوان یک طرز و شیوه ادبی عبارت است از بیان یک عقیده یا یک موضوع نه از طریق بیان مستقیم بلکه در لباس و هیأت یک حکایت ساختگی که با موضوع و فکر اصلی از طریق قیاس قابل مقایسه و تطبیق است.» (پورنامداریان، ۱۳۸۹: ۱۴۳) در این تعریف‌ها بر جنبه‌ی روایی و داستانی بودن تمثیل تأکید می‌شود. هم چنین «معنای دومی» که در این تعاریف از آن یاد می‌شود، پنهان است و به راهنمایی لایه معنایی ظاهری باید بدان دست یافت. داشتن معنای باطنی و پنهان همان است که در شیوه ادبی استعاره به آن اشاره می‌شود. تمثیل در اصطلاح معاصر، شکلی از استعاره است؛ اما استعاره‌ای که به گونه داستان «روایت می‌شود» و شامل وقایع و اشخاص است. حال آن که استعاره در شکل ساده‌اش، تنها یک عنصر است که به جای عنصر دیگر- و البته با علاقه مشابهت - در کلام می‌آید. جمع شدن چند عنصر و به اصطلاح چند بعدی بودن تمثیل سبب می‌شود که گاهی آن را «استعاره گسترده» (Extended Metaphor) بنامند. استعاره‌ای که توسعه یافته، عناصر بعضاً متعددی در شکل‌گیری آن شرکت می‌کنند و به آن ساختاری روایی می‌بخشند.

در میان آثار عرفانی، زبانی ویژه به کار رفته است که با عناوینی چون رمز، تمثیل یا تأویل شناخته می‌شود. تمثیل از شگردهایی است که شاعران با بهره‌گیری از آن، می‌توانند مفاهیم فکری خود را

در کوتاه‌ترین کلام بیان و ملموس کنند. در اصطلاح «تشبیهی است که مشبه به آن جنبه مثل یا حکایت داشته باشد. در تشبیه تمثیل مشبه امری معقول و مرکب است که برای تقریر و اثبات آن مشبه بهی مرکب و محسوس ذکر می‌شود.» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۱۱۱) تمثیل، روایتی است که دو معنا دارد. معنای ظاهری و معنای استعاری که از داستان فهمیده می‌شود. در تمثیل نویسنده مفاهیم اخلاقی یا تعلیمی از پیش شناخته شده را به تیپ‌های شخصیتی منتقل می‌کند و چنان این تیپ‌های شخصیتی نقش خود را ایفا می‌کنند که در نهایت خواننده را به نقطه مورد نظر اخلاقی که در باطن داستان تمثیلی موجود است می‌رسانند. البته در رویه پنهان تمثیل به برخی مسائل اجتماعی، سیاسی و تاریخی و... نیز اشاره می‌شود؛ و این نظریه نیز وجود دارد که مفاهیم لازم نیست از پیش شناخته شده باشند بلکه ناشناخته‌ها هم می‌توانند شکل تمثیل به خود بگیرند.

«به طور خلاصه ویژگی‌های تمثیل عبارتند از: جاودانگی پیام‌های اخلاقی - تاثیرگذاری در مخاطب و اقناع او و آشکار نمودن فرهنگ، روحیات و سطح تفکر اقوام مختلف. در قلمرو زبان و ادبیات، «تمثیل» موقعیتی برجسته و چشمگیر دارد؛ استفاده از تمثیل در تفهیم معانی و مطالب مدنظر بسیار رایج و متداول است. حضور بی‌بدیل تمثیل در عرصه شعر و ادبیات آنقدر وسیع و عمیق است که زبان بدون آن قادر به انتقال مفاهیم و معانی نیست.» (حکمت، ۱۳۸۵: ۱۸۴). «اما در ساحت عرفان و فلسفه عرفانی اسلامی استفاده از تمثیل به‌عنوان روش مقید برای شناختن حقایق هستی ضرورت دارد.» (حکمت، ۱۳۸۵: ۲۱۹). «اهل دل که معانی و معارف را با تصفیه و تجلیه قلوب تحصیل کرده‌اند، هرگاه بخواهند آن معانی که بر دل‌های صافیه‌شان جلوه‌گری کرده است را تفسیر و بیان کنند و به‌منظور ارشاد قبالان و طالبان اظهار کنند، عادت پسندیده آنها این است که مناسبت و مشابهت میان آن معانی مکشوفه و امور محسوسه را پیدا کنند و در لباس محسوسات، آن معانی مکشوفه را در نظر محرمان بنمایند.» (لاهیجی، ۱۳۸۷: ۴۶۹)

۸- وحدت وجود

وحدت وجود توصیف خاص عرفا از مبحث توحید است. توحید از دیدگاه عرفا نه تنها نفی هرگونه شریک برای ذات خداوند بلکه نفی هرگونه وجودی غیر از وجود خداوند است. از این دیدگاه جز ذات خداوند و اسما و صفات و افعال او هیچ چیز دیگری وجود حقیقی ندارد و موجودات مظاهر وجود خداوند هستند. تعیینات و تشخیصات اشیاء، چه جسمانی چه روحانی، امور اعتباری‌اند و امور اعتباری مطلقا معدوماتند. از دیدگاه عارفان وحدت وجودی، اثبات وحدت وجود، از راه‌های اثبات

توحید حق تعالی است. اندیشه وحدت وجود تحت تأثیر قرآن کریم، احادیث پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) و دریافت‌های شهودی عرفا در عرفان اسلامی به وجود آمده است.

از این دیدگاه در هستی چیزی جز ذات خداوند وجود ندارد. «وحدت وجود عبارت است از اینکه تنها وجود مطلق خداوند است و جمیع موجودات از طریق تجلی از او صادر گشته اند و همه دنیا نسبت به خدا در حکم اشعه است نسبت به خورشید.» (مظاهری، ۱۳۸۹: ۸) «وحدت شخصیه وجود از نگاه عرفا عبارت است از اینکه یک وجود به هم پیوسته و یکپارچه و نامتناهی همه واقعیت را فرا گرفته و همان وجود خدای متعالی است و هرچه غیر اوست همه تجلیات و شئون اویند.» (امینی نژاد، ۱۳۹۰: ۵۲۸)

وحدت وجود یعنی اینکه یک وجود در عالم هستی است و همه موجودات شئونات و مظاهر آن یک وجود هستند. این مسأله هم فلسفی است و هم عرفانی. از این نگاه جهان وجود همه یک وجودند که در مرتبت فوق و اقوی و اشد، وجود خداوند قرار می‌گیرد و سایر موجودات بر اساس مراتب دوری و نزدیکی به مبدأ اول متفاوت اند. «وجود دریای بیکران است و موجودات همه امواج اویند؛ و امواج عین دریایند لکن در عین حال امواج خود موجودند... پس امواج عین دریایند و در عین حال غیر دریایند. وجود واحد و موجود متکثراند.» (سجادی، ۱۳۸۰: ۲۱۲۸)

۹- وحدت وجود در اندیشه اسیری لاهیجی

اسیری لاهیجی از شارحان نظریه وحدت وجود است و در جای جای اشعار باور خود به وحدت وجود را بیان می‌کند. بر همین اساس از خداوند می‌خواهد که او را از می وحدت مست گرداند به گونه‌ای که هیچ نشانه‌ای از کثرت برای او باقی نماند. که نماند هیچم از کثرت نشان مست گردان از می وحدت چنان (اسیری، ۱۳۶۸: ۴)

از نگاه وحدت وجودی اسیری، عارف هرگاه به مرتبه‌ای برسد که دوگانگی در اندیشه و باور او جایی نداشته باشد به مقام شهود وحدت رسیده است و کثرت در نگاه او جایگاهی ندارد. در این مرتبه عارف هرچه ببیند در دیده او نشانه وجود حق است. همه هستی آینه جمال حق تعالی است.

چون دویی برخاست، جمله وحدتست	تا نپنداری مقام کثرتست
هر که او را دیده بینا بود	هر چه بیند، حق در او پیدا بود
هر که دارد در جهان نقش وجود	جمله مرآت جمال دوست بود

در جهان منگر به روی او نگر
غیر حسنش در نظر ناریم ما
مهر نورش دید کز هر ذره تافت
او کتاب هر چه بینی آیتست
او می و جمله جهان را جام خوان
دل مصفی کن، بهشت و حور بین
همچو خور در کاینات این روشن است
گرچه وحدت را ظهور از کترتست
در حقیقت اوست پیدا و نهان
(اسیری، ۱۳۶۸: ۷۹)

گر تو هستی در جهان صاحب نظر
دیده بر دیدار او داریم ما
هر که ز انوار الهی بهره یافت
اوست معنی، جمله عالم صورتست
او چو دریا و دو عالم موج دان
دیده روشن بیار و نور بین
حق چو جان و جمله عالم چون تن است
صورت کثرت حجاب وحدتست
نیست غیر از یار در عالم عیان

در این نگاه چون هیچ چیز غیر از حق وجود ندارد و تمام عالم آینه وجود حق است فرقی میان مسجد و دیر وجود ندارد.

هر که گوید نیست کلی هیچ غیر
صاحب جمع است و پیشش نیست فرق
در یقین اوست مسجد عین دیر
جان او در بحر وحدت گشته غرق
(همان: ۸۰)

از نگاه وحدت وجودی اسیری، غیر از حق تعالی هیچ چیز در عالم وجود ندارد.

هر که دارد گمان که غیری هست
در یقینش قصور می بینم
(اسیری، ۱۳۵۷: ۳۰۴)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱۰- وحدت وجود/ وحدت شهود

برخی از عرفا وحدت وجود را وحدت شهود می‌دانند و قائل‌اند که انسان گاه در نتیجه عشق زیاد در سلوک خود به مرتبه‌ای می‌رسد که فقط حق را می‌بیند. وحدت شهود در پی آن است که بگوید اگر سالک با دیده دل و نور ایمان بنگرد در عالم یکی بیشتر نمی‌بیند. اسیری لاهیجی هم با نگاه وحدت شهودی می‌گوید غیر از یک حقیقت در هستی نمی‌بیند. دو عالم را نمی‌بیند چون چیزی جز ذات خدا وجود حقیقی ندارد. تمام هستی یک نور منبسط و واحد کثیر ناماست...

هر دو عالم بدیده در نام
این جهان آن جهان نمی‌دانم

غیر یک نقطه اندرین ادوار
غیر آن یک حقیقت مطلق
غیر یک نور منبسط بجهان
وصف آن واحد کثیرنما
هیچ دور و زمان نمی دانم
آشکار و نهان نمی دانم
من زمین آسمان نمی دانم
همچو این یک بیان نمی دانم
(اسیری، ۱۳۵۷: ۳۰۲)

۱۱- غیرت و وحدت وجود

اسیری وحدت وجود را در نتیجه غیرت عشق می داند. غیرت عشق نمی پذیرد که غیر حق تعالی موجودی باشد چراکه غیرت عشق نمی خواهد که جمال حق تعالی را غیر بیبند. از این نگاه تمام نقش های گوناگون هستی نمودی بیش نیستند. غیرت عشق اقتضا می کند که غیر از ذات حق وجودی نباشد برای اینکه جمال حق را دیگری نبیند هر لحظه خود را به در نقشی تازه نمایان می سازد.

غیرت عشق این چنین فرمود
تانه بیند جمال او غیری
هر زمان کسوت دگر پوشید
همه او بود طالب و مطلوب
این همه نقش های گوناگون
در حقیقت به جز نمود نبود
که نباشد بغیر او موجود
خویشتن را به نقش جمله نمود
لحظه لحظه به حسن دیگر بود
غیر او نیست شاهد و مشهود
(اسیری، ۱۳۵۷: ۳۰۱)

۱۲- تمثیل های وحدت وجود در آثار اسیری لاهیجی

۱-۱۲- تمثیل موج و دریا

پارادوکس «وحدت در عین کثرت» و «کثرت در عین وحدت» در اندیشه عرفا، تناقضی ظاهری را ایجاد می کرد که درک مفهوم آن را دچار مشکل می کرد؛ به همین دلیل شارحان نظریه وحدت وجود از تمثیل که در میان عرفا مهم ترین ابزار برای شرح و توضیح باورهای عرفانی بوده است برای توضیح این دیدگاه استفاده کرده اند. از مهم ترین تمثیل ها در این خصوص تمثیل دریا و مظاهر آن است. در این تمثیل جلوه های مختلف دریا از جمله موج، قطره، حباب، جو و ... گرچه به ظاهر با دریا تفاوت دارند اما ماهیت همه آنها با دریا یکی است و منشأ همه این جلوه های گوناگون دریا است. در این تمثیل دریا سمبل ذات حق است و جلوه های مختلف آن مانند موج سمبل عالم کثرت هستند.

اسیری لاهیجی برای شرح این اندیشه از تمثیل دریا و مظاهر آن فراوان در اشعار خود استفاده می‌کند. این تمثیل شامل دریا و موج، دریا و قطره، دریا و جو و ... است. در نگاه وحدت وجودی اسیری تمام عالم مثل نقش موجی است بر روی دریا. اگر با دیده دل بنگری دو عالم را ظهور و تجلی معشوق می‌بینی.

جمله عالم نمود در نظر م نقش موجی بر روی بحر وجود
هر دو عالم ظهور یک عشق است گر نظر می‌کنی به عین شهود
دل چو دریافت ذوق حالت عشق پرده از روی راز خویش گشود
(همان: ۳۰۱)

موج، حباب، جو و ... گرچه به ظاهر با دریا متفاوت اند اما ماهیت همه آنها با دریا یکی است و فقط ظاهر آنها با دریا متفاوت است.

غیر دریا گر نماید موج آب عین دریا دان تو امواج و حباب
(اسیری، ۱۳۶۸: ۵۸)

که جهان موج‌های این دریاست موج و دریا یکی است غیر کجاست
(همان: ۳۰۱)

۱۲-۲- تمثیل دریا و جو

تمثیل دریا و جو نیز تمثیلی است برای بیان وحدت وجود. جوی آب اگرچه با دریا در ظاهر متفاوت است اما حقیقت و ماهیت جو چیزی جز دریا نیست. اسیری با تمثیل جو و دریا به یک نکته دیگر نیز اشاره می‌کند که در آیه مشهور سوره بقره بیان شده است «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره/ ۱۵۶) در این آیه نیز وحدت وجود مطرح شده است. اسیری می‌گوید جوهای آب اگرچه از دریای بی قعر و کران روان می‌شوند و جدا می‌شوند اما در نهایت به سوی دریا برمی‌گردند.

با وجود آنکه این جوها روان شد از آن دریای بی قعر و کران
بازگشت جمله در دریا بود گر به جویش چند روزی جا بود
گر چه آب جمله از یک بحر بود لذت هر یک به نوعی می‌نمود
هر که در لذت مقید می‌شود ره به مطلق گر برد رد می‌شود

رو نظر در بحر کن جو را مبین تاکه باشی عارف سر یقین
هر چه از یاد خدا و طاعتش مانعت آید مگو جز آفتش
(اسیری، ۱۳۶۸: ۳)

در حقیقت غیر از خدا هیچ چیز و هیچ کس وجود ندارد. آنچه ما غیر حق می بینم و هستی برای آن قائل هستیم وهم و خیال ما است.

در حقیقت نیست غیر از یار کس این نمود غیر عین وهم توست
یار خود آئینه روی خود است در نمودن آینه گبر غیر روست
می نماید غیر دریا جو، ولی در حقیقت دان که دریا عین جوست
(اسیری، ۱۳۵۷: ۳۷)

۱۲-۳- تمثیل قطره و دریا

تمثیل دیگری که اسیری برای بیان وحدت وجود از آن استفاده کرده است تمثیل قطره و دریا است. به ظاهر قطره با دریا متفاوت است ولی ماهیت و حقیقت هر دو یکی است. مظاهر عالم هستی همانند قطره هایی هستند که از دریا هستی یافته اند و در نهایت هم به سوی دریا برمی گردند و هستی آنها در دریا محو می شود. اینکه برای غیر حق قائل به هستی می شویم مرتبه شناخت عقل است ولی وقتی شناخت حقیقت از مرتبه عقلی فراتر رود غیر حق در عالم معنی ندارد. در این مرتبه از معرفت و شناخت کعبه و دیر باهم هیچ فرقی ندارند.

قطره و دریا به معنی خود یکی است غیر حق در هر دو عالم گو که کیست
قطره در دریا فتاد و شد فنا عین دریا گشتش آمد بقا
اعتبار عقل دان هستی غیر در حقیقت کعبه آمد عین دیر
صحو و محو و قرب و بعد و وصل و فصل در حقیقت خود ندارد هیچ اصل
(اسیری، ۱۳۶۸: ۹۶)

۱۲-۴- تمثیل اسم و مسما

تمثیل دیگری که اسیری برای تبیین اندیشه وحدت وجود به کار گرفته است تمثیل «اسم و مسما» است. در باورهای دینی و عرفانی برای توصیف ذات حق هزار و یک اسم قائل هستند. از نگاه وحدت وجودی اسیری اسم های مختلفی که برای توصیف ذات حق استفاده می شود عین مسما هستند نه چیزی جدای از مسما؛ بنابراین در نگاه عارف اسم و مسما عین هم هستند. در این تمثیل مسما ذات

حق است و اسم‌های مختلف خداوند سمبل عالم کثرت هستند که گرچه به‌ظاهر متفاوت‌اند اما حقیقت همه آنها یکی است.

گنج ایمان است زیر هر طلسم
پیش عارف شد مسمی عین اسم
او بهر جا می‌نماید وصف خاص
عین یکدیگر شمر تو عام و خاص
کرده در هر مظهیری نوعی ظهور
او به ما نزدیک و ما زو دور دور
گر به‌صورت گشت بیگانه زما
او به معنی هست با ما آشنا
(اسیری، ۱۳۶۸: ۵۷)

کونین قطره ایست ز دریای ذات ما
افهام قاصرنند ز کنه صفات ما
از غیر من چو نام و نشان نیست در جهان
اسم و صفات ما شده مجلای ذات ما
(اسیری، ۱۳۵۷: ۱۰)

۱۲-۵- تمثیل جام و شراب

تمثیل جام و شراب نیز در متون عرفانی برای توصیف وحدت وجود به کار گرفته شده است. جام باده از جنس شیشه است و چون شفاف است وقتی که باده درون آن قرار می‌گیرد به رنگ باده درمی‌آید. همین باعث شده است که از تمثیل جام و باده برای تبیین وحدت وجود استفاده شود. در این تمثیل باده سمبل ذات حق است و جام سمبل عالم کثرت است.

او چو دریا و دو عالم موج دان
او می و جمله جهان را جام خوان
(اسیری، ۱۳۶۸: ۷۹)

گر به‌صورت یار ما شد غیر ما
چون به معنی بنگری او عین ماست
هر دو باهم همچو موج و بحر دان
ور تو جام و باده گویی هم رواست
(همان: ۳۶)

باده تویی و جام من نور تویی ظلام من
شخص تویی و نام من بی‌تو به سر نمی‌شود
(همان: ۱۳۴)

۱۲-۶- تمثیل آینه و صورت

تمثیل آینه و چهره نیز برای بیان اندیشه وحدت وجود در عرفان ابن عربی و پیروانش استفاده می‌شود. چهره در این تمثیل رمز وحدت و آینه‌های مختلف رمز کثرت هستند. یک چهره، در آینه‌های متعدد روی می‌نماید، آن آینه‌ها هر یک به اندازه، استعداد و متناسب با کمیت و کیفیت و خصوصیت خود، آن چهره را منعکس می‌کنند، بنابراین آن چهره، به تناسب اختلاف آینه‌ها به شکل‌های مختلف پدیدار می‌شود. آینه‌های مختلف، مانند احکام و آثار متنوع اعیان ثابت و چهره‌ای که در آن آینه‌ها، به مثابه مبدأ وجود است که باینکه واحد است به وحدت حقیقی، به حسب تعدد و تنوع مزایای آثار اعیان ثابت و متعدد و متنوع می‌نماید، در صورتی که در واقع واحد است و در وحدتش ثابت. صور گوناگونی که از این چهره، در آینه‌ها نمودار می‌شود، نسبت به آن به منزله ظلال و عکوس است، می‌توان گفت آن چهره، هم در آینه است و هم نیست. هم عین آن است و هم غیر آن، نه عین آن است و نه غیر آن، پس درست است گفته شود که صاحب چهره، چهره‌اش را در آینه، هم دیده و هم ندیده است.

«اشیاء خارجی هم که در اثر ظهور مبدأ وجود، در مرایای اعیان پدیدار گشته است، به مثابه ظلال و عکوس مبدأ وجود است و از وجود متأهل، متعری است و چنان‌که به تکرار گفته شده از وجهی عین آن است و از وجهی غیر آن، لذا می‌توان گفت که مبدأ وجود هم ظاهر است و هم غیرظاهر و نیز درست است که گفته شود، با دیدن موجودات خارجی، مبدأ وجود هم دیده می‌شود و هم دیده نمی‌شود» (جهانگیری: ۱۳۵۹: ۲۸۲)

چون دویی برخاست، جمله وحدت است
 هر که او را دیده بینا بود
 هر چه بیند، حق در او پیدا بود
 هر که دارد در جهان نقش وجود
 جمله مرآت جمال دوست بود
 گر تو هستی در جهان صاحب نظر
 در جهان منگر به روی او نگر
 (اسیری، ۱۳۶۸: ۷۹)

جهان مرآت حسن دلبر ماست
 رخش ز آئینه هر ذره پیداست
 (همان: ۳۰۸)

به پیش آنکه دارد روشناسی
 جهان آئینه دار روی شاه است
 (اسیری، ۱۳۵۷: ۳۰۹)

۱۲-۷- تمثیل نور و سایه

سایه و نور نیز تمثیلی است از وحدت وجود. در این تمثیل سایه رمز عالم کثرت است و نور رمز عالم وحدت. سایه بدون نور و نور بدون سایه قابل تصور نیست. در شعر و اندیشه اسیری از این تمثیل برای بیان نسبت عالم با حضرت حق استفاده شده است. در این تمثیل با اینکه به ظاهر سایه از آفتاب متفاوت است اما وجود سایه جدای از نور آفتاب غیرممکن است و همین معنای وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت است.

همچو نور و سایه ما همسایه‌ایم	او چو خورشید است و ما چون سایه‌ایم
نور خواهی گویا سایه طلب	تابع نور است سایه روز و شب
سایه را بی شک دلیل نور خوان	هستی سایه یقین از نور دان
سایه را از نور نتوان کرد دور	می‌نماید سایه‌ها از عکس نور
مگذر از ما گر همی خواهی خدا	سایه کی از نور می‌گردد جدا
نور تابان شد ز سایه درگذر	گر نهان گردد زمانی نور خور
نور بیند هر که او از وهم رست	سایه در معنی، نمود و همی است
وصل او را در زمان درخور شود	سایه‌ها چون محو نور خور شود
ظلمت ذرات را مستور ساخت	سایه را خورشید تابان نور ساخت
زان تجلی سایه خود را نور یافت	سایه بودم نور خور بر من بتافت
خود ندادی آگهی از مایه‌ام	گر به پیش تو کنون من سایه‌ام
روز روشن را نمی‌دانی ز شب	مهر تابان ذره می‌خوانی عجب

(اسیری، ۱۳۶۸: ۱۲۵)

۱۲-۸- تمثیل ذره و نور

از این تمثیل برای بیان وحدت وجود استفاده شده است. خورشید در این تمثیل رمز حق است که وجودش قائم به ذات است و ذره رمز عالم کثرت است. دیده شدن ذره وابسته به تابش آفتاب است و اگر نور آفتاب نتابد ذره به با چشم دیده نمی‌شود. در اندیشه وحدت وجود نسبت میان حق (وحدت) و عالم (کثرت) نسبت میان ذره و خورشید است؛ یعنی این عالم با همه کثرت خود بدون تابش پرتو نور حق جلوه‌ای ندارد. در عین حال در این اندیشه عرفانی همه ذرات عالم وسیله‌ای هستند برای اینکه ما جلوه ذات خدا را در آنها مشاهده کنیم.

شاهد حسن او نمود عیان
 در پس پرده همه ذرات
 دم بدم در لباس مستوری
 آشنکارا شود بدیده جان
 خویشتن در لباس کون و مکان
 آفتاب جمال اوسست نهان
 جلوه‌ها می‌کنند رخ جانان
 (اسیری، ۱۳۵۷: ۳۰۶)

من که خورشید جمال تو عیان می‌بینم
 منم آن رند که دایم ز خرابات جهان
 مهر ذاتت که ز نورش دوجهان پیدا شد
 تا که گشتم بره عشق تو بی‌نام‌ونشان
 عکس روی تو ز مرآت جهان می‌بینم
 شاهد حسن ترا جلوه‌کنان می‌بینم
 در پس پرده هر ذره نهان می‌بینم
 در همه کون و مکان از تو نشان می‌بینم
 (همان: ۳۶۵)

۹-۱۲- تمثیل اعداد

در ادبیات عرفانی این تمثیل برای نشان دادن جلوه حق به شکل اشیاء خارجی، بیش از تمثیل‌های دیگر مورد توجه بوده و تمثیلی مشهور است. توضیح آنکه واحد چون تکرار می‌شود، در تکرار اول اثنین آشکار می‌شود، در تکرار دوم ثلثه، در تکرار سوم اربعه، در تکرار چهارم خمسه و همین‌طور تا بی‌نهایت. و اگر واحد تکرار نشود، هیچ عددی به وجود نمی‌آید، بنابراین همه اعداد محصول تکرار واحد هستند؛ و تمام اعداد برای بروز و ظهور نیازمند ظهور واحد هستند، در مراتب اعداد، در حالی که واحد به‌طور ذاتی، از وجود اعداد و از ظهور آنها به‌طور آنها، بی‌نیاز است. «در نظرگاه سنتی، اعداد واجد جنبه کیفی و تمثیلی بوده‌اند. چنین عددی چون مظهري است از واحد که هیچ‌گاه از مبدأ خود جدا نمی‌شود، هرگاه با موجودی در عالم کثرات مطابق یابد، آن موجود را از طریق تمثیل یا تأویل به وحدت که منشأ هستی است بازمی‌گرداند» (نصر، ۱۳۷۷: ۸۱) اسیری نیز از این تمثیل استفاده کرده است.

وجود اندر کمال خویش ساری است
 امور اعتباری نیست موجود
 تعیین‌ها اموری اعتباری است
 عدد بسیار، یک چیز است معبود
 (همان: ۳۳۳)

۱۰-۱۲- تمثیل صورت و معنا

تمثیل صورت و معنا نیز نسبت موجودات عالم را نسبت به حق نشان می‌دهد. از این نگاه وجود حق معنی‌ای است که در صورت‌های مختلف و به اشکال مختلف جلوه‌گر می‌شود. چهره معنی در میان صورت نهان است و تا صورت از میان برنخیزد معنی آشکار نمی‌شود.

اوست معنی، جمله عالم صورت است او کتاب هر چه بینی آیت است
(اسیری، ۱۳۶۸: ۷۹)

زهی حسن جهان‌آرا که خود را دم‌مادم می‌نمایند نوع دیگر
یکی معنی است گر صد گر هزار است به صورت‌های گوناگون مصور
(اسیری ۱۳۵۷: ۳۰۸)

۱۱-۱۲- تمثیل کتاب و آیه

تمثیل کتاب و آیه نیز برای بیان وحدت وجود به کار می‌رود. در این تمثیل وجود حق مثل یک کتاب جامع است و هر چه در این دو عالم دیده می‌شود آیه‌های آن کتاب هستند.
اوست معنی، جمله عالم صورت است او کتاب و هر چه بینی آیت است
(اسیری، ۱۳۶۸: ۷۹)

۱۲-۱۲- تمثیل جسم و جان

حق چو جان و جمله عالم چون تن است همچو خور در کاینات این روشن است
(اسیری، ۱۳۶۸: ۷۹)

و هو معکم همچو روز روشن است او چو جان و جمله عالم تن است
زین معیت نیست جانست را خبر از خدا غافل مشو در خود نگر
(اسیری، ۱۳۶۸: ۱۲۶)

که عالم چون تن و جان جهان اوست نهان در پرده کون و مکان اوست
(اسیری، ۱۳۵۷: ۳۱۲)

۱۲-۱۳- تمثیل کوزه

در اندیشه عارف باورمند به وحدت وجود هرچه در جهان نقش وجود داشته باشد دارای دو جهت است. یکی صورت و دیگری معنی. صورت آن از دوست جدا به نظر می‌رسد اما اگر به معنی آن دقت کنی عین دوست است. تمثیل کوزه برای بیان همین معنی استفاده می‌شود. کوزه وقتی می‌شکند و سفالش خاک می‌شود به آن خاک گفته می‌شود. نسبت تمام موجودات دوعالم نسبت به حضرت دوست نسبت کوزه است به خاک. در صورت و ظاهر با آن متفاوت و غیر آن به نظر می‌رسند؛ اما در حقیقت و معنا چیزی جز وجود حق نیستند.

هر چه دارد در جهان نقش وجود آن یکی صورت دگر معنی بود
از ره صورت نماید غیر دوست
زان یکی ما عندکم ینفد شنو
کوزه چون بشکست می‌گویی سفال
خاک می‌گویی، کنون آن کوزه کو
آن هیولا کاین همه صورت بروسست
تا نبینی آینه رخسار دوست
دو جهت در وی توان پیدا نمود
هر چه گویی غیر از این دعوی بود
چون نظر کردی به معنی جمله اوست
جز پی ما عنده باقی مرو
چون سفالش خاک شد بنگر تو حال
معنی و صورت در آنجا بازجو
هست هر جا آن صور نقش سیوست
هر دوعالم در حقیقت عکس اوست
(اسیری لاهیجی، ۱۳۶۸: ۸۰)

۱۲-۱۴- تمثیل خار و گل:

خار و گل چون از یک ریشه هستند تمثیلی برای بیان وحدت وجود در اندیشه اسیری لاهیجی هستند. اسیری در این تمثیل می‌گوید که خار و گل گرچه به‌ظاهر باهم متفاوت‌اند اما در اصل از یک اصل و تبار هستند و تفاوتی بین آنها متصور نیست.

خار و گل بنگر که از یک‌شاخ رست
گر به‌صورت گل نماید غیر خار
گر بگویی خار و گل ضد هم‌اند
تا شود پیش تو این معنی درست
خار و گل عین‌اند در اصل و تبار
هم ز وجهی این سخن باشد پسند

ور همی گویی که خار و گل یکی است عارفان را کی درین معنی شکی است
 مرد عارف هر چه می‌گوید رواست جاهل ار گوید صواب آن هم خطاست
 (اسیری لاهیجی، ۱۳۶۸: ۸۰)

نتیجه‌گیری

وحدت وجود تفکری است که با تکیه بر آیات و روایات و برای شرح معنای توحید و یگانگی خداوند در اندیشه مسلمانان مطرح شد. این اندیشه در عرفان اسلامی به تدریج شکل گرفت و مفهومی به نام وحدت وجود در نتیجه فنای عرفانی و این نگاه که عارف پس از رسیدن به کمال و فنای فی‌الله به جز ذات حق چیزی نمی‌بیند مطرح شد. با مطالعه آثار عارفانی مانند سنایی، عطار، مولوی و دیگران به صورت پراکنده این معانی دیده می‌شود. این تفکر در آموزه‌های ابن عربی به نظریه‌ای فلسفی و حکمی تبدیل می‌شود و با زبانی حکیمانه بیان شده است. بعد از ابن عربی بسیاری از عرفا تحت تأثیر او به شرح و تفسیر این نظریه پرداخته‌اند. شاه نعمت‌الله ولی از جمله شارحان اندیشه‌های وحدت وجودی ابن عربی است. وی در آثار خود به صورت گسترده‌ای به بیان وحدت وجود می‌پردازد و برای شرح این مسأله از تمثیل‌هایی مانند آینه، دریا و مصادیق آن، ذره و خورشید و ... استفاده می‌کند.

فهرست منابع

کتاب‌ها

اسیری لاهیجی، شمس‌الدین محمد بن یحیی، (۱۳۵۷)، دیوان اشعار و رسائل، به اهتمام برات زنجانی، تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل.
 _____ (۱۳۶۸)، مثنوی اسرارالشهد، تهران: مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

امینی نژاد، علی (۱۳۹۰)، آشنایی با مجموعه عرفان اسلامی، ناشر: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی. انوشه، حسن، (۱۳۷۶)، فرهنگ‌نامه ادب فارسی (جلد دوم دانش‌نامه ادب فارسی)، تهران، سازمان چاپ و انتشارات.

پورنامداریان، تقی، (۱۳۸۹)، رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی، چ هفتم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

جهانگیری، محسن، (۱۳۵۹)، محیی الدین بن عربی (چهره برجسته عرفان اسلامی)، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

حکمت، نصرالله، (۱۳۸۵)، متافیزیک خیال در گلشن راز شبستری، تهران، فرهنگستان هنر.

- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، لغت‌نامه، ج پنجم، ج دوم، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- سجادی، سید جعفر، ۱۳۸۰، فرهنگ معارف اسلامی، تهران: دانشگاه تهران.
- شمیسا، سیروس، (۱۳۸۶)، بیان، ج سوم، تهران، نشر میترا.
- لاهیجی، محمدبن یحیی، (۱۳۸۷)، مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز، تهران، سنایی.
- معین، محمد، (۱۳۷۹)، فرهنگ فارسی، ج پانزدهم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مقادی، بهرام، (۱۳۷۸)، فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی، تهران، فکر روز.

مقالات

- افراسیاب پور، علی اکبر و زهرا کاشانی‌ها، (۱۳۹۶)، جایگاه وحدت وجود در عرفان جامی، فصلنامه عرفان اسلامی، سال چهاردهم، شماره ۵۳، پاییز ۹۶.
- حکمت، نصرالله، (۱۳۸۵)، «فلسفه تمثیل از نظر ابن‌ترکه»، پژوهشنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، شماره ۴۹، صص ۱۰۸-۸۵.
- قدردان قراملکی، محمدحسن، (۱۳۹۶) توحید وجودی و نظریه وحدت وجود، فصل‌نامه علمی - پژوهشی اندیشه نوین دینی، سال سیزدهم، شماره ۴۸، بهار ۱۳۹۶.
- کاکایی، قاسم، (۱۳۸۰)، وحدت وجود: تجربه، تعبیر، تمثیل، فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، دوره دوم، شماره چهارم، صص ۷۹-۱۱۲، تابستان و پاییز ۱۳۸۰.
- محمدی، هاشم، (۱۳۸۸)، وحدت وجود از نگاه شمس مغربی، فصلنامه تخصصی عرفان، سال پنجم، شماره ۱۹، بهار ۸۸.
- مظاهری، عبدالرضا (۱۳۸۹)، وحدت ادیان از دیدگاه مولانا، نیمسالنامه تخصصی پژوهشنامه ادیان، سال چهارم، شماره هشتم.

References

Books

- Asiri Lahiji, Shams-al-Din Mohammad Bin Yahya, (1357), Divan of Poems and treatises, by Barat Zanjani, Tehran: University of Tehran, Institute of Islamic Studies, McGill University.
-, (1368), Masnavi Asrar al-Shood, Tehran: Cultural Studies and Research.
- Amininejad, Ali (1390), Getting to know the collection of Islamic mysticism, Publisher: Imam Khomeini Educational and Research Institute.
- Anoushe, Hassan, (1376), Dictionary of Persian Literature (the second volume of the Encyclopedia of Persian Literature), Tehran, Printing and Publishing Organization.
- Pournamdarian, Taghi, (1389), Code and secret stories in Persian literature, 7th edition, Tehran, Scientific and Cultural Publications.
- Jahangiri, Mohsen, (1359), Mohai al-Din bin Arabi (a prominent figure of Islamic mysticism), Tehran, University of Tehran Publishing and Printing Institute.

- Hekmat, Nasrullah, (1385), *Metaphysics of Illusion in Golshan Raz Shabestri*, Tehran, Art Academy.
- Dehkhoda, Ali-Akbar, (1377), *Dictionary*, 5th volume, 2nd edition, Tehran, University of Tehran Publishing and Printing Institute.
- Sajjadi, Seyyed Jafar, 1380, *Culture of Islamic Studies*, Tehran: University of Tehran.
- Shamisa, Siros, (1386), *Bayan*, third edition, Tehran, Mitra Publishing.
- Lahiji, Mohammad Bin Yahya, (1387), *Mufatih al-Ijaz fi Sharh Golshan Raz*, Tehran, Sanai.
- Moin, Mohammad, (1379), *Farhang Farsi*, ۱۰th edition, Tehran: Amir Kabir Publications.
- Moqdadi, Bahram, (1378), *Dictionary of Literary Criticism Terms*, Tehran, Fikr Roz.

Articles

- Afrasiabpour, Ali Akbar and Zahra Kashaniha, (2016), The place of unity of existence in Jami mysticism, *Islamic Mysticism Quarterly*, 14th year, number 53, Fall 2016.
- Hekmat, Nasrullah, (1385), "Philosophy of allegory according to Ibn Tarkeh", *Research Journal of the Faculty of Literature and Human Sciences*, No. 49, pp. ۱۰۸-۸۵
- Ghoradan Qaramalki, Mohammad Hassan, (2016) Existential Monotheism and the Theory of Unity of Existence, *Scientific-Research Quarterly of New Religious Thought*, Year 13, Number 48, Spring 2016.
- Kakai, Qasim, (2010), Unity of Existence: Experience, Interpretation, Allegory, *Quarterly Journal of Religious Thought of Shiraz University*, second term, number 4, pp. 79-112, summer and fall of 2010.
- Mohammadi, Hashem, (2008), the unity of existence from the perspective of Shams Maghrib, *Irfan Specialized Quarterly*, Year ۲, Number 19, Spring 2008.
- Mazaheri, Abdul Reza (1389), *The Unity of Religions from Rumi's Point of View*, Semi-Annual Specialized Research of Religions, Year 4, Number 8

